

ستاره سرخ

بودجه ۱۳۵۴ در خدمت کیست؟

"ستاره سرخ" طی مقالاتی اخیراً بخشهای از فعالیت های رژیم در مورد بکارانداختن مجدد "دلارهای نفتی" را بررسی کرد. واقیعیات نشان می دهد رژیم محمد رضاشاه بعلاوه وابستگی های عمیق به امپریالیسم یوژو امپریالیسم آمریکا، بنا بر ماهیت ارتجاعی طبقات و اقتضایک پایه اجتماعی اثرناشکلی می دهند، نمی تواند و اصولاً نخواهد توانست "ثروت" موجود در زمین ما را در خدمت بهبودی وضع زحمتکشان و شکوفائی و آبادانی ایران بکاراندازد و بناچار این "ثروت" وسیله دیگری در دست او برای خوش خدمتی به امپریالیسم، وابسته تر نمودن زمین ما به امپریالیسم، بسط و توسعه ای استعماری و استثمار و تحکیم مواضع خود او خواهد گشت. "ستاره سرخ" همچنین خاطر نشان ساخت، بحران عمیق و گسترده ای که امروز سیستم امپریالیستی و کلیه کشورهای سرمایه دار را در بر گرفته، برخلاف تبلیغات دول امپریالیستی ناشی از گرانی قیمت نفت نبوده و از تضاد های رونی و بیرونی همان سیستم برمی خیزد و در واقع آن بحران حاصل گشته توسط به "دلارهای نفتی" ایران از جانب امپریالیسم و شاه کوششی است عیب برای مقابله با مشکلات عدیده دنیا سرمایه داری. این امر در عین حال ماهیت سرمایه مالی هنگفتی را که از طریق تاراج نفت ایران به خزانه شاه وارد گشته، و روشن می سازد. سرمایه مالی طفیلی در دست مشتق بوروکرات و کبیارد و انگل و حکومتی که از منافع آنان دفاع میکند، با همسویی با سرمایه مالی امپریالیستی در قسمت های غیر تولیدی، وام، بورس سازی، خریدن سهام شرکت های ماورا ملی، معاملات بانکی، اسلحه و... صرف میگردد. جانب دیگر این مسأله تاثیر "دلارهای نفتی" در بودجه سال ۱۳۵۴ ایران می باشد.

این روزها ورق پاره های رادیو و تلویزیون و دیگر ابزار تبلیغاتی رژیم مجدداً و با اصرار بیشتری از "ترقی" و "رشد" اقتصاد ایران و برنامه های عریض و تحویل رژیم در سالهای جاری سخن می گویند و همواره با نشان دادن

مزدوران آمریکائی در ارتش ایران

رژیم وابسته شاه روز بروز بیشتر به گسترش و مجهز کردن ارتش میپردازد. هنوز مرکب قرارداد های ۸ میلیارد دلاری خرید اسلحه از آمریکا، انگلستان و آلمان... که در مدت ۱۰ سال گذشته بسته شده، خشک نگردیده بود که رژیم مغفور پهلوی مجدداً به عقد قرارداد نظامی جدیدی پرداخت. قرارداد ای که با وجود گذشت چندین ماه از عقد آن تا بحال از اعلام آن خودداری کرده است. مطابق این قرارداد ۱۶۹۳ میلیون دلاری، شرکت "بل هلیکوپتر اینترناشنال" با استخدام مزدوران نظامی به تربیت ارتش ایران میپردازد. پس از املا شدن قرارداد نسبتاً مشابه عربستان سعودی با امپریالیسم آمریکا در چند هفته قبل، اسرار این قرارداد ننگین نیز فاش گردید. شرکت "بل هلیکوپتر اینترناشنال" ۱۵۰۰ نفر از افسران و سربازان جنایتکار آمریکائی را که اکثراً در حدود ده سال سابقه جنایت در رویتام دارند از ۱۸ ماه قبل به ایران اعزام داشته است. این مزدوران نظامی می باید در مدت پنج سال به تربیت یک نیروی ضربتی هلیکوپتری بپردازند، نیرویی که میبایست در همکونی با قوای زمینی برای جنگ ضد ایرانی کار کند. بهمین منظور رژیم وابسته شاه به خرید بیش از ۲۰۰ هلیکوپتر اقدام کرد

انقلاب تا پیروزی

دعوت فدائیان مسلح یا سخ مثبت داده و بزودی جرفه های کوچک آنروزی به حریق تبدیل گردید. جنبش خلق فلسطین پس از شکست کشورهای عربی در روز ۱۹۶۷ داشته وسیعتری یافته و بخصوص پس از پیروزی در جنگ الکرامه در سپتامبر ۱۹۶۸ وسیعاً رشد و گسترش یافت بطوریکه اگر در سال اول مبارزه مسلحانه فدائیان در هر سه روز یک عمل نظامی علیه اشغالگران صهیونیست انجام می دادند، تعداد عملیات نظامی سال پنجم مبارزه به ۲۳۹۰ یعنی بیش از ۶ عمل در روز رسید و امروز این جنبش به یک نیروی انقلابی مهم در منطقه خاورمیانه تبدیل شده، بیش از پیش از پیش از پشتیبانی انقلابیون و خلق های جهان برخوردار گردیده و بسیاری از کشورهاییک تا چندین قبل علناً و رسماً به مخالفت با آن برخاسته و از آنجمله بعضی از کشورهای عربی، مجبور به شناسائی حقوق خلق فلسطین و اعلام پشتیبانی از مبارزه ی عادلانه این خلق شده اند.

امپریالیسم آمریکا می بیند اشک با افزودن بر کتکهای به صهیونیستها در محله و تهاجم به اردوگاه های فلسطینی خواهد توانست از گسترش مبارزه مسلحانه خلق فلسطین جلوگیری. پیشرفت و رشد مبارزه مسلحانه عکس آینه ای امپریالیسم آمریکا و صهیونیستها را انبساط بخش بقیه در صفحه دوم

به دفاع از خلق عمان، علیه تجا و زشاه

شکستها، تجاوز و گسترش داده و اعمال ضد انسانی ارتش در کرده است، به همراه این، دستگامهای تبلیغاتی رژیم با یخش روزهای بزرگ در مورد "پیروزیهای ارتش شاه" در ظفار سعی دارند بر روی شکستهای ارتش سروش گذارند و با تبلیغ شورونیم ضد عربی، افکار مردم را از توجه به ماهیت تجا و رژیم شاه به عمان و جنایات او منحرف کرده و برای این خوشخدمت های رژیم به امپریالیسم زمینه توجیه ایجاد کنند تلاشهای مذبحانه رژیم شاه برای این زمینه سازی پس عیب بوده و مطمئناً با شکست روبرو خواهد شد. امپریالیستها و حکومت های ارتجاعی وابسته به آن در عمان خلق های خلیج فارس هستند. منافع همه خلق های خلیج فارس در نابودی حکومت های ارتجاعی از قبیل شاه و قابوس و پارتی های امپریالیست آنها است و از این جهت منافع خلق های ایران نه در مخالفت با مبارزات آزاد یخش خلق عمان بلکه در همبستگی کامل و پشتیبانی قاطع از این مبارزات بود. برخلاف تبلیغات رژیم شاه نه در شکست مبارزات آزاد یخش بلکه در شکست ارتش تجا و زشاه است. نیروهای انقلابی مترقی و مگرانیک ایران با پشتیبانی از مبارزات خلقی عمان و با محکوم کردن تجاوزات شاه، بد رستی خواست و منافع خلق های ایران را به همه جهانیان اعلام کرده اند.

در این میان کمیته مرکزی این عامل سوسیال - امپریالیسم شوروی که بهنگام اشغال سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، این عمل رژیم شاه را که از اولین اقدامات برای انجام وظیفه زائد ارتش در خلیج فارس بود، تائید کرد. حالیکه باره برای خلق عمان اشک تمساح مسی ریخت. تائید اشغال سه جزیره بدان جهت بود که در آن زمان سوسیال امپریالیسم شوروی مینداشت که از طریق توافقاتی با رژیم شاه خواهد توانست در خلیج فارس نفوذ کند و کمیته مرکزی هم بعنوان یکی از اهرمهای اجباری عمان شکستهای چشمگیر خورد، اخیراً برای حیران بین

استقرار جمهوری دمکراتیک خلق خواست مردم ماست

بقیه حزب ...

بدست آوردن لقبه نانی مجبور به انجام کارهای طاقت فرسا هستند و هیچگونه آئینه نامین شده ای ندارند. بیگاری شدید را بران عامل اصلی کوچ کردن این هزاران تن و هزاران ایرانی دیگری است که در دامنه شیخ نشین های خلیج فارس پناه می آورند. در نمونه از روزی نامه های رژیم در مورد بیگاری در ایران بیابیم: "در روزهای ماه برای ۳۶ میلیون افراد شاغل ۶۰ روز کار کامل وجود دارد (کیهان هوایی ۱۲ مرداد ۱۳۵۱)". تعداد بیگاران آشکار و پنهان فعلی کشور ۵۰۰ هزار بیشتر است و اگر گروه کم کاران را هم به این جمع بیفزاییم که در مطلق تعداد بیگاران و کم کاران بسیار بالا می رود (اطلاعات نوزده اردیبهشت ۱۳۵۳). بدین ترتیب در روستاهای ایران حتی برای افراد شاغل فقط ۶۰ روز یعنی یک فصل در سال کار وجود دارد و سه فصل دیگر بیگاری هستند. در سایر جاهای دنیا برای فرزندانی وابسته به دولت بیش از ۵۰۰ هزار بیگاری وجود دارد. اما در واقع موضوع بی نهایت از این اسفناکتر است که طبقات وابسته به رژیم فقط تعداد بیگاران فعلی را نمیکنند که تعداد بیگاران دائمی مراتب از آن بیشتر است. با توجه به نوشته کیهان ۲۰ مرداد ۵۲ مبنی بر اینکه "تعداد متقاضیان کار در ماههای اول سال جاری سه برابر محللهای خالی شغلی بوده است و نوشته کیهان ۳ اسفند ۱۳۵۳ مبنی بر اینکه یک جوان در بیلمه "در بسیاری موارد حتی نان ناس استفاده نداشت زیرا در اوضاع کنونی حتی برای ناپخته های بدو مد رک جاشی وجود ندارد" میتوان حدس زد که بیگاری چگونه در ایران بیدار می کند و آنوقت حکومت ارتجاعی شاه تصمصب استفاده ۷۰۰ هزار کارگر از خارج (کیهان ۲۲ دی ماه ۱۳۵۳) دارد.

در حالیکه میلیونها زحمتکش و هزاران دبیل و روشنفکر ایرانی در بیگاری دائمی یا فصلی بسر میبرند، حکومت دست نشاندۀ شاه بنا بر ماهیت ارتجاعی اش نه تنها به حل این معضل کاملی توجهی نمیکند بلکه قصد دارد با استفاده ۷۰۰ هزار کارگر از خارج - علاوه بر اینکه با اینکار نقشه تفرقه افکنی بین کارگران را اجرا کرده و همچنین استفاده تبلیغاتی ببرد - صد ها هزار زحمتکش ایرانی را مجبور به بیوستن به خیل وسیع بیگاران کند.

هفتم - بر اثر سیاستهای خانمان برانداز حکومت ارتجاعی شاه، گرانی در ایران بیدار می کند. گرانی موجود در ایران که روز بروز نیز سرسور و رامی با بد اثرات نامطلوب خود را بیشتر از همه برزندگی سخت و طاقت فرسای زحمتکشان میگذارد. حتی بر طبق آثار منتشره از جانب رژیم که همیشه میباید به صحت آنها شک داشت مخارج زندگی سرسام آور روزیاید است. "قیمت مصالح ساختمانی نسبت به ۸ سال پیش ۵ برابر شده است" (کیهان ۳ اسفند ۱۳۵۳). "میزان افزایش اجاره خانه در تهران در فاصله ۵ سال بطور متوسط ۶۸٪ تا ۷۱٪ درصد رسیده است. میزان اجاره خانه های سه اتاقی که مورد استفاده اغلب خانواده ها است ۸۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته است" (کیهان ۵ اسفند ۱۳۵۳). "آرد در عرض وسال از کیلو ۱۰ ریال به کیلو ۲۵ ریال رسیده است" (کیهان ۲۸ مهر ۱۳۵۳) و در مورد کلیه مواد غذایی و مصرفی نیز وضع بهین منوال است. بموجب آمار بانک مرکزی ایران "شاخصهای کالاها و خدمات مصرفی (هزینه زندگی) در مناطق شهری ایران در اسفند سال ۵۲ نسبت به ماه مشابه سال قبل ۳۴٪ درصد افزایش داشته است". بدین ترتیب کلیه ما محتاج زندگی زحمتکش روز بروز گرانتر میشود در شرایط فقر و تنگدستی شدیدی تر هستند.

هشتم - بر اثر خدایاتهای بیشتر شاه و طبقات ارتجاعی حاکم در ایران، کشور ما روز بروز در وابستگی اقتصادی شدیدی تر به امپریالیسم روسی آید. در قترحه سیاه زندگی حکومت ضد ملی منصف رضا شاه سراسر برآیند خیانتهاست. صنایع نفت بعنوان رکن اصلی اقتصادی فعلی ایران که در اثر مبارزات عظیم مردم میهن آورده شده و در دست ملت قرار گرفته بود، بلافاصله پس از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، توسط حکومت شاه مجدداً در اختیار امپریالیستها قرار گرفت. تولید و صدور نفت که در طی تمام این دوران بخش عمده تولید و درآمد ملی را تشکیل میداده است، علیرغم تبلیغات جنجالی و دروغین رژیم مبنی بر "ملی کردن آن و بسال رفتن قیمت نفت در سطح جهانی - از طرفی با هزاران بند به امپریالیستها وابسته است و از طرفی دیگر اهمیت یافتن

بیشتر رفت - خصلت تک تولیدی اقتصاد ایران را که زمینه بهتری برای غارت توسط امپریالیستها فراهم میآورد حفظ نموده است. "انقلاب سفید" نیز تنها این وابستگی و این خصلت را تشدید کرده است.

سرمایه مالی امپریالیستی در گسترش نگاهبان ایران ریشخورد و آئیده و سیستم بانکی ایران را وابسته بخود نموده است. صنایع ماشینی و پتروشیمی با مشارکت سرمایه های خارجی برپا شده و در کنترل امپریالیستها قرار دارد. صنایع لاستیک سازی و اکبر صنایع دارویی و شیمیایی توسط امپریالیستها اداره میشود. اکثر صنایع زیرزمینی از جمله نفت گاز، مس، اورانیوم و ... در اختیار امپریالیستها بوده و با شدت هرچه بیشتر بفارت میروند. اخیراً نیز بخش ساختمان کشور هم در کنترل امپریالیستها قرار گرفته است. صنایع میهن ما چنان در اختیار امپریالیستهاست که هرگاه آنها تصمیم به خوابانیدن صنایع ایران بگیرند، میتوانند با قطع مواد مورد احتیاج صنایع ایران به این تصمیم شوم خود جامه تحقق ببوشند. این از آنجا ناشی میشود که اکثر صنایع ایران صنایع مونتاژی است یعنی هرگاه به کارخانه های ماشینی سازی "ایران موتور هیلن" "سیتروئن و ... و سایر لوازم مورد نیاز ترسد، این کارخانه ها قادر به تولید بیگان و زبان و ... نیستند. هرگاه امپریالیستها واردات مواد مورد احتیاج کارخانه لاستیک سازی را به ایران قطع کنند و یا در مورد کارخانه های داروسازی و غیره همین تصمیم را به اجرا گذارند، این بخشها از صنایع در ایران بحالت تعطیل در خواهند آمد و هرگاه نگاهبان واردات مواد ساختمانی به ایران قطع کرد، امکان ساختمان سازی نیز چون حال موجود نخواهد بود.

بدین ترتیب سرمایه داران خارجی در کلیه رشته های صنعتی ایران نه تنها رخنه کرده بلکه کنترل اکثر آنها را نیز در دست گرفته اند. چند سال است که هیاتهای اسرما به ایران خارجی یکی پس از دیگری به ایران آمده و هر سال به دنبال آن سرمایه های خارجی با زهم بیشتری وارد کشور میگرد. تنهاد ریگسال گذشته قرارداد های که با کشورهای امپریالیستی و رویزیونیستی در زمین بسته شده اند به بیس از ۷۰۰ میلیارد دلار بالغ میگردد. بنا بر نوشته کیهان ۲۰ سپتامبر ۳۵۳ تعداد شرکت های ساختمانی انگلیسی در ایران که در سال ۱۳۵۲ در رشد بود، ۱۰۰ مورد بود. تعداد این شرکتها به مشترک به ۵۰ رسیده است و هم چنین است در مورد اکثر رشته های صنعتی.

وابستگی اقتصادی ایران تنها به صنایع و معادن ختم نشده بلکه کشاورزی و دامپروری و بازرگانی را نیز دربر میگیرد. کشاورزی ایران روز بروز بیشتر در وابستگی بخارج درآمده است بطوریکه اگر کد م از خارج وارد نشود نان کافی در کشور پیدا نخواهد شد، اگر گوشت از خارج وارد نشود، مقدار گوشت داخل کشور کفاف تهران را به تنهایی نخواهد داد و اگر سیب زمینی و پیاز و زنجبیل و ... از خارج وارد نشود تولیدات کنونی داخلی بهیچوجه احتیاجات فلسی را برآورده نخواهد کرد. علاوه بر این سرمایه گذارهای بزرگ سودآور خارجی در بخش کشاورزی و کشاورزی ایران را نیز در خدمت به منافع امپریالیستها آورده است. از این جمله است سرمایه گذارهای خارجی در مناطق کنار سد ها بخصوص در مورد کشت پنبه.

یک حکومت مستقل و ملی در چنین شرایط اسفناکی که صنایع و کشاورزی ایران هستند، به سرمایه گذاری در داخل و آهم در رشته های دیگر مورد احتیاج شدیدی هستند و آنها را که مواد اولیه را تهیه میکنند خواهد پرداخت، امری که حکومت دست نشاندۀ شاه بنا بر ماهیت ارتجاعی اش از آن سرباززده و وعملت وابستگی شدیدی تر به امپریالیستهاست سرمایه گذاری در خارج را برای خد متگذاران بیشتر به امپریالیستها ریشخورد گرفته است. مسخره آمیزترین بیانیه برای توجیه این خوشخدمتی میگوید: "ایران در آتیه برای تأمین مواد اولیه صنایع خود در کشورهای خارجی سرمایه گذاری مشترک خواهد کرد" (گفتی وزیر اقتصاد نقل در اطلاعات ۴ فوریه ۱۳۵۳). حکومت ارتجاعی شاه که کشاورزی ایران را به بحران کشانیده و صنایع میهن ما را در وابستگی به امپریالیسم در آورده است، بر طبق این منطق ارتجاعی به کشاورزی ایران هیچگونه توجهی ننموده و در عوض به سرمایه گذاری در استرالیا در بخش کشاورزی میرد از بیاز بر طبق همین منطق صنایع ایران را در حدود مونتاژی نگه داشته و به کمک مالی سرمایه داران خارجی برای تولید مواد اولیه مورد احتیاج صنایع ایران در کشورهای خارجی میشتاید تا به وابستگی اقتصادی کشور به خارج هم چنان افزوده گردد.

جنبه دیگر وابستگی اقتصادی رژیم افزایش دریافت وام از خارج است. با وجود درآمد سرشار ایران از نفت شاه همچنان به دریافت وام از خارج ادامه میدهد و مسخره آمیزترین بیانیه که در این زمینه از سوی خود بیان میکند: "منافع امپریالیستها را برآوردن وام از خارج بزرگترین ضرر است". "انقلاب سفید" نیز تنها این وابستگی و این خصلت را تشدید کرده است.

سرمایه مالی امپریالیستی در گسترش نگاهبان ایران ریشخورد و آئیده و سیستم بانکی ایران را وابسته بخود نموده است. صنایع ماشینی و پتروشیمی با مشارکت سرمایه های خارجی برپا شده و در کنترل امپریالیستها قرار دارد. صنایع لاستیک سازی و اکبر صنایع دارویی و شیمیایی توسط امپریالیستها اداره میشود. اکثر صنایع زیرزمینی از جمله نفت گاز، مس، اورانیوم و ... در اختیار امپریالیستها بوده و با شدت هرچه بیشتر بفارت میروند. اخیراً نیز بخش ساختمان کشور هم در کنترل امپریالیستها قرار گرفته است. صنایع میهن ما چنان در اختیار امپریالیستهاست که هرگاه آنها تصمیم به خوابانیدن صنایع ایران بگیرند، میتوانند با قطع مواد مورد احتیاج صنایع ایران به این تصمیم شوم خود جامه تحقق ببوشند. این از آنجا ناشی میشود که اکثر صنایع ایران صنایع مونتاژی است یعنی هرگاه به کارخانه های ماشینی سازی "ایران موتور هیلن" "سیتروئن و ... و سایر لوازم مورد نیاز ترسد، این کارخانه ها قادر به تولید بیگان و زبان و ... نیستند. هرگاه امپریالیستها واردات مواد مورد احتیاج کارخانه لاستیک سازی را به ایران قطع کنند و یا در مورد کارخانه های داروسازی و غیره همین تصمیم را به اجرا گذارند، این بخشها از صنایع در ایران بحالت تعطیل در خواهند آمد و هرگاه نگاهبان واردات مواد ساختمانی به ایران قطع کرد، امکان ساختمان سازی نیز چون حال موجود نخواهد بود.

بدین ترتیب سرمایه داران خارجی در کلیه رشته های صنعتی ایران نه تنها رخنه کرده بلکه کنترل اکثر آنها را نیز در دست گرفته اند. چند سال است که هیاتهای اسرما به ایران خارجی یکی پس از دیگری به ایران آمده و هر سال به دنبال آن سرمایه های خارجی با زهم بیشتری وارد کشور میگرد. تنهاد ریگسال گذشته قرارداد های که با کشورهای امپریالیستی و رویزیونیستی در زمین بسته شده اند به بیس از ۷۰۰ میلیارد دلار بالغ میگردد. بنا بر نوشته کیهان ۲۰ سپتامبر ۳۵۳ تعداد شرکت های ساختمانی انگلیسی در ایران که در سال ۱۳۵۲ در رشد بود، ۱۰۰ مورد بود. تعداد این شرکتها به مشترک به ۵۰ رسیده است و هم چنین است در مورد اکثر رشته های صنعتی.

وابستگی اقتصادی ایران تنها به صنایع و معادن ختم نشده بلکه کشاورزی و دامپروری و بازرگانی را نیز دربر میگیرد. کشاورزی ایران روز بروز بیشتر در وابستگی بخارج درآمده است بطوریکه اگر کد م از خارج وارد نشود نان کافی در کشور پیدا نخواهد شد، اگر گوشت از خارج وارد نشود، مقدار گوشت داخل کشور کفاف تهران را به تنهایی نخواهد داد و اگر سیب زمینی و پیاز و زنجبیل و ... از خارج وارد نشود تولیدات کنونی داخلی بهیچوجه احتیاجات فلسی را برآورده نخواهد کرد. علاوه بر این سرمایه گذارهای بزرگ سودآور خارجی در بخش کشاورزی و کشاورزی ایران را نیز در خدمت به منافع امپریالیستها آورده است. از این جمله است سرمایه گذارهای خارجی در مناطق کنار سد ها بخصوص در مورد کشت پنبه.

یک حکومت مستقل و ملی در چنین شرایط اسفناکی که صنایع و کشاورزی ایران هستند، به سرمایه گذاری در داخل و آهم در رشته های دیگر مورد احتیاج شدیدی هستند و آنها را که مواد اولیه را تهیه میکنند خواهد پرداخت، امری که حکومت دست نشاندۀ شاه بنا بر ماهیت ارتجاعی اش از آن سرباززده و وعملت وابستگی شدیدی تر به امپریالیستهاست سرمایه گذاری در خارج را برای خد متگذاران بیشتر به امپریالیستها ریشخورد گرفته است. مسخره آمیزترین بیانیه برای توجیه این خوشخدمتی میگوید: "ایران در آتیه برای تأمین مواد اولیه صنایع خود در کشورهای خارجی سرمایه گذاری مشترک خواهد کرد" (گفتی وزیر اقتصاد نقل در اطلاعات ۴ فوریه ۱۳۵۳). حکومت ارتجاعی شاه که کشاورزی ایران را به بحران کشانیده و صنایع میهن ما را در وابستگی به امپریالیسم در آورده است، بر طبق این منطق ارتجاعی به کشاورزی ایران هیچگونه توجهی ننموده و در عوض به سرمایه گذاری در استرالیا در بخش کشاورزی میرد از بیاز بر طبق همین منطق صنایع ایران را در حدود مونتاژی نگه داشته و به کمک مالی سرمایه داران خارجی برای تولید مواد اولیه مورد احتیاج صنایع ایران در کشورهای خارجی میشتاید تا به وابستگی اقتصادی کشور به خارج هم چنان افزوده گردد.

جنبه دیگر وابستگی اقتصادی رژیم افزایش دریافت وام از

اقتصاد ایران را به نفع نیروها و کشور های امپریالیستی و طبقات ارتجاعی حاکم به ناساطی شدن بد کشانیده است، نه تنها کشاورزی ایران را به "رطبه نابودی برده و ایران را حتی از این لحاظ نیز بخارج وابسته کرده است، نه تنها صنایع کشور را در کنترل انحصارات خارجی قرار داده است، نه تنها منابع زیرزمینی ایران را بجای اول هر چه بیشتر امپریالیستها گذارده است، نه تنها بانک تولیدی نسوون اقتصاد ایران یعنی تکیه بر وام نقش و آزاد گذارن امپریالیستها در غارت هر چه بیشتر آنها وابستگی اقتصادی کشور را بیشتر نموده است، نه تنها تلاش فراوان در رنابسودی فرهنگ تود ای و ملی کشور و غالب ساختن فرهنگ منحلغز کرده است، نه تنها بهیاد داشت ربه انحصار طبقات انگلی حاکم در آورده و زحمتکشان را از استفاده از کلیه امکانات بهداشتی محروم نموده است، نه تنها با تشدید وابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی کشوریه امپریالیسم بخصوص امپریالیسم آمریکا خوشخدمتی خود را به بهترین نحو به آنها انجام داده است، نه تنها با سیاستهای اقتصادی خانمان برانداز خود معضل بیگاری در ایران را بجا آورد و تشدید کرده است، نه تنها با بالابردن سرسام آور مخارج زندگی و استثمار شدیدی از زحمتکشان فقر و تنگدستی آنها را شدت بخشید است و نه تنها با بکار بردن وحشیانه ترین شیوه های فاشیستی صد ها تن از فرزندان رزمنده خلق را بحد اعدام و هزاران میهن پرست را زندانی کرده است بلکه اکنون بشماره تلافی از سرکوب را با زهم بیشتر تشدید کرده و مردم را با فاشیسم و سوسیالیسم صحه گذارن در برخیا تنها و جانیات خود کند.

د رکنارده احان حکومت محمدرضا شاه و مضحکه "انقلاب سفید" وی، در آوردن سته خائن گمبته مرکزی حزب نسوده تنها به ستایش جنبه های مثبت اقدامات ارتجاعی حکومت برخاست و در مجالس "احزاب برادر" و توری پاره ها تبلیغاتی خود به توجیه تشویک این جنبه ها در دست زد و کوشش نمود با این جنبه های مثبت "متحد شود و سمت سوسیالیستی" به آنها بدهد.

علیرغم تبلیغات فراوان رژیم و مشاطه گریهای در او دستنه گمبته مرکزی حزب نوده، خلقهای ایران بر مضحکه "انقلاب سفید" صحه نگذارده و ناشی از اثرات خانمان برانداز این مضحکه ناراضی خلق بخصوص زحمتکشان فزونی یافت.

بنا بر تشدید گسترش مبارزات خلق عدم موفقیت در این راه رژیم در رفیق مردم و تشدید اختلاف جناح بندی بیاری در رونی طبقات ارتجاعی حاکم، مضحکه جدیدی شاه برای نیل به نتایج زیرین نامه ریزی شده است.

۱- امر و زحمتکش منقوب بهیول تلاش دارد که از طریق مضحکه جدید به جلوگیری از رزند مبارزات خلق بپردازد. نامی از رزند تضاد های طبقاتی خلق با رژیم ارتجاعی حاکم در اثر نمانه های خائنانه و خانمان برانداز حکومت وابسته شاه و فعالیت بیگانه انقلابیون، مبارزات خلق بخصوص مبارزان کارگران و دهقانان روروشنفران در چند سال گذشته رشد و گسترش در رخسان و افزون یافت. اگر در ابتدا ای اجسرای مضحکه "انقلاب سفید" مبارزات کارگران میهن ما برای شک بد رکود گرائیده و فقط به چند کارگاه و کارخانه محدود میشد و بندرت از سطح عریضه نوبی فراتر میرفت، امروز مبارزات کارگران میهن ما وسعاً رنشد و گسترش یافته، اعتصابات بیایی در کارگاهها و کارخانه های متعدد روی میدهد.

اعتراضات کارگران از سطح نوشتن نامه های اعتراضی با فراتر نمانده و به اعتصاب و خوابانیدن کارخانه و برگزاری تظاهرات چه در محیط کارخانه چه در خیابانها کشیده شده است. اگر چندی بعد از اجرای مضحکه "انقلاب سفید" مبارزات دهقانی چند سالی فرود شد و به ندرت می توانستیم از مبارزات دهقانی نام ببریم، امروز رنشد و گسترش آن - هر چند که هنوز نیز برانکند - هستند - به مراتب افزوده گردیده است. اگر در ابتدا ای اجسرای مضحکه "انقلاب سفید" مبارزات دانشجویان میهن ما ماعدت محدود به دانشگاه تهران و دانشکده های با خواسته های صنایع بود، امروز اولاً این مبارزات کلیه دانشگاهها و ارس عالی کشور را در بر گرفته، ثانیاً به تاجانبه سیاسی خود گرفته و ثالثاً از محیط دانشگاهها به بیرون کشیده شده است. مبارزات روحانیون مترقی نیز شدت بیشتری یافته و بر تعداد روحانیان مبارزی که بسیاری در رونی رژیم میرد از نده افزوده میگردد، در رنشد و وسعت و عظمت مبارزات خلق کافیت همین را بگوئیم که تنها در این یکسال مطابق با اخباری که به خارج از کشور رسیده است و سلسله مبعث هم تماس وسیع، عدم امکانات خبریایی کامل و لازم و با وجود کنترل شدیدی حکومت بازگو کننده هراتجه رویداد نیست بل بخشی از آن خواهد بقیه در صفحه سوم